

عنوان مقاله:

بنیادهای اخلاقی و اجتماعی حقوق بشر در شاهنامه فردوسی با رویکرد به مولفه های عدالت اجتماعی و کرامت انسانی

محل انتشار:

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دوره 18، شماره 3 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسندگان:

عزت خلیقی

سعید روزبهانی

ابوالقاسم امیر احمدی

خلاصه مقاله:

زمینه: مفهوم حقوق بشر در همه فرهنگ‌ها مورد احترام بوده و قوانین متعددی در این باره وضع شده است و لزوماً منحصر به دوران معاصر نیست. به این اعتبار که ادبیات، جلوه‌گاه فرهنگ منعکس در متن جامعه است، بازتاب مصداق‌های حقوق بشر در آن دیده می‌شود. در گستره ادبیات فارسی، فردوسی در شاهنامه، ضمن پرداختن به مسائل گوناگون ادبی، از موضوعات حقوق بشری و اخلاق‌محور هم سخن گفته است. او در ابیات مختلف، بارها به کاستی‌های حقوق انسان‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی اعتراض کرده و مخاطبان خود را به صورت مستقیم و غیرمستقیم به رعایت آن فراخوانده است. فردوسی برای تحقق این هدف، نوآوری‌هایی انجام داده که پرورش شخصیت‌های کمال‌یافته جهت تبیین حقوق انسانی از آن جمله است. در این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، دیدگاه فردوسی در شاهنامه در ارتباط با بنیادهای اخلاقی حقوق بشر به ویژه عدالت اجتماعی و کرامت انسانی کاویده شده است. همچنین، برای ارائه خوانشی جدید از آراء انسان‌مدارانه فردوسی، اشاره‌ای به مفاد اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد شده است. نتیجه گیری: از دید فردوسی، برپایی عدالت و برابری اجتماعی یکی از مهم‌ترین وظایف صاحبان قدرت در جامعه است. همچنین، آنها باید حقوق انسانی را محترم بشمارند و از این طریق زمینه های تحقق و فراگیری حقوق شهروندی دیگر را رقم بزنند. مقایسه رویکردهای فردوسی در ارتباط با عدالت اجتماعی و کرامت انسانی با اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که آراء فردوسی با جزئی‌نگری بیشتری مطرح شده و برخلاف اعلامیه حقوق بشر که به صورت کلی و گذرا مطرح گردیده، فراگیری بیشتری دارد.

کلمات کلیدی:

,Moral foundations, Human rights, Social justice, Human dignity, Ferdowsi's Shahnameh

بنیادهای اخلاقی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، شاهنامه فردوسی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1837928>

